

(بمضمون ذیل قرائت شد)
 توسط آقای حاج امین التجار اصفهانی
 کبیله اتحادیه معترم تجار کبیله ستاره ایران
 کبیله ایران کبیله طوفان مقام مقدس دار -
 شورای ملی شیداللهار کانه در جریده معترم
 ایران درج کسر سال گذشته هشتاد و هشتاد و
 کسر صادرات و واردات مملکتمان بوده
 البته علاقمند باین آب و خاک راماتناز و
 باید بفکر هلاجه باشد اتحادیه تجار اصفهان
 یگانه هلاج این کار پوشیدن لباس وطنی
 رادانسته و تمام تجار و سایر طبقات با خیال
 مقدس ماهمراه وهم قسم که از صبح نوروز
 ملبس بلباس وطنی بشویم از عموم و کلاه
 معترم استعفا میکنند اگر هلاج همین است
 که شما آقایان هم همراهی فرموده وزینت
 بدهید اندام مبارک خودتانرا بلباس وطنی
 و در قانون استخدام هم مقید باین شرط باشد
 که اجزاینگه گزران نشان از بیت المال مردم
 است لباسشان وطنی باید همیشه باشد هر
 ایرانی برای کفر این کسر را بکنند اگر در
 سال بیست و پنج قران از اجناس خارجه
 کمتر خریداری کند رفع این کسر میشود
 اتحادیه تجار

رئیس - آقای حاج نصیر السلطنه
 (اجازه)
 حاج نصیر السلطنه - بنده می خواستم
 استعفا کنم حالا که آقایان تصویب فرمودند
 قانون راجع بمدت توقف مامورین سیاسی
 جزو دستور امشب باشد در صورتیکه ممکن
 است جزو دستور جلسه آتی بشود
 رئیس - باید تطبیع و توزیع شود یک
 نسخه هم برای هیئت دولت فرستاده شود
 حاج نصیر السلطنه بهیئت دولت فرستاده
 شود .

رئیس - جلسه آتی روز شنبه - و
 بقیه شوردرم در قانون شورای عالی معارف
 و بقیه خود در لایحه امتیاز الحاق آب کارون
 زاینده رود و رایورت که بیستون بودجه راجع
 بفرقراری شهریه در حق ورثه مرحوم
 وفاءالدوله

(مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد)
 رئیس - مؤتمن الملك

جلسه هفتاد و پنجم
 صورت مشروح مجلس یوم
 شنبه چهارم شهر رجب المرجب
 (۱۳۴۰) مطابق (۱۳) برج حوت
 (۱۳۰۰)

مجلس دوساعت و نیم قبل از غروب
 در تعهد ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل
 گردید
 صورت مجلس یوم شنبه (۱۱) برج حوت
 را آقای تدین قرائت نمودند
 رئیس - نسبت بصورت مجلس اپردی
 هست یاخیر
 (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد

قبل از اینکه داخل دستور بشویم چند فقره
 سؤالی که قبلا نوشته شده بود از آقای
 وزیر پشت و تلگراف میشود بعد داخل
 در دستور میشویم آقای میرزا علی کازرونی
 و آقای مستشار السلطنه و آقای سردار
 مفخم و آقای امیر ناصر و آقای رئیس التجار
 و آقای عماد السلطنه راجع بکنترات مسیو
 مولیتر سؤالی داشتند
 آقای آقا میر علی کازرونی

(اجازه)
 آقای آقا میرزا علی کازرونی - در
 حقیقت بنده این سؤال را از جانب اکثر
 نمایندگان مینمایم (بعضی گفتند اتفاق
 است) نظر باینکه مدت کنترات مسیو مولیتر
 چندی است منقضی شده و در اطراف
 مسیولیت یک حرفهائی گفته میشود که
 افکار مردم متوجه بعدم تجدید کنترات
 اوشده است از اینجهه از آقای وزیر پشت
 و تلگراف سؤال می کنم آیا میشود تعیین
 بفرمایند که چه وقت لایحه تجدید کنترات
 اورا بمجلس خواهند آورد

وزیر پشت و تلگراف در این مدت چهل
 و دوسه روزی که بنده متصدی کار شدم
 بدون اینکه خود نمائی کرده باشم برای
 انتظام امور پستخانه خیلی زحمت کشیده ام
 وقتی که وارد اداره پستخانه شدم آن
 اداره را بطوریکه آرزومند بودم ندیدم
 یک نفاقهائی بین اجزا و مدیر خودشان
 موجود بوده ، بنده قبل از آنکه داخل در
 امورات اداری پستخانه بشوم لازم دانستم
 که بدو انتظام و دیسیپلین اداری را در نظر
 بگیرم و بعد داخل در کارهای رسمی بشوم
 و حقیقه از اجزاء اداره پستخانه خیلی
 ممنونم برای اینکه روز اولی که برای سر
 کشی اداره پستخانه رفتم آقایان را خواستم
 با حضور آنها مذاکراتی کردم و از موافقت آنها
 بی نهایت ممنون شدم که با نظر من مخالفت
 نکردند و بنده هیچ از آنها ناراضی نیستم
 از آن طرف هم اگر بنده معتقد باشم و بگیرم
 که مسیو مولیتر آدم خدمتگزار و درستی است
 و هر چه در اطراف ایشان گفته میشود حقیقت
 ندارد ولی نگرانی که در آتی برای بنده
 هست این است که روح انقیاد و اطاعت از
 اعضاء پستخانه نسبت بمولیتر برداشته
 شده است و مسیو مولیتر دیگر قادر بر این
 نیست که بتواند آن اداره را مرتب کند
 و لوائیکه بپای پنجاه تومان هم متقاعد
 شود که خدمت خود را ادامه دهد همین
 نظر بنده گمان میکنم که آقایان هم موافقت
 داشته باشد و مقصود آقایان در عدم تجدید
 کنترات ایشان حاصل و نگرانی مفقود
 شود و گمان میکنم دیگر مذاکره در
 اطراف این مسئله لزومی نداشته باشد
 (صبیح است صبیح است)
 رئیس - گمان میکنم سؤالات

سایر آقایان دیگر موضوعی ندارند
 (گفته شد صبیح است)
 رئیس - آقای سردار مفخم راجع
 به سیم های دائر و باثری که روسها بدولت
 انتقال داده اند سؤالی دارند
 سردار مفخم - سؤال بنده سه فقره
 بود که در چند روز قبل بمقام معترم ریاست
 تقدیم کردم یک فقره آن همین بود که
 گفته شد و بنده دیگر داخل در این موضوع
 نمی شوم .

دو فقره دیگر آنرا اگر اجازه بفرمایند
 عرض کنم یکی در باب سیم های دائر و
 سایر لوازم تلگرافی که از روسها بدولت
 علیه منتقل شده که میبایستی وزارت تلگراف
 ضبط و جمع آوری نماید آیا از طرف دولت
 بانها رسیدگی شده و تصرف نموده اند
 یاخیر و نیز چند رشته از سیم های دائر دولت
 علیه و سیم های خود روسها که در دست
 نظامیان روس بوده و بعد از رفتن آنها
 انگلیسها تصرف و دخالت کرده اند آیا
 اقدامی در این باب بعمل آمده و این سیم ها
 با اختیار اداره تلگرافی دولت علیه در آمده
 است یا خیر ؟

وزیر پشت و تلگراف - راجع به آن
 سیمی که از قزوین بهمدان و از همدان به
 کرمانشاهان منتقل است و در موقع انقلاب
 در دست تلگرافچی های خارجه بوده است
 بنده وقتی که وارد شدم بعضی اقدامات
 کردم و آن سیمها تماماً بتصرف دولت
 ایران درآمد و فعلا در دست خود ایرانیها
 است ولی بگرفته سیم است که خود
 انگلیسها دایر نموده اند و نظامیان آنها
 کشیده اند آنرا هم مشغول اقدامات هستیم
 سکه از آنها بخریم و بتوسط وزارت امور
 خارجه مذاکرات لازمه شده است و دور
 نیست تا آخر حوت نتیجه مقصوده بدست آید
 ولی یازده خط سیمهای تلگرافی است که
 از طرف روسها بدولت ایران واگذار شده
 است و فعلا هم در تصرف وزارت پشت و تلگراف
 است بنده آنرا میخوانم

چلغا بخوی یازده فرسخ و نیم خوی
 بسلماس هفت فرسخ - سلماس بارومیه یازده
 فرسخ و نیم ارومیه بهمدیار ده فرسخ و نیم
 محمدیار بساوج بلاغ شش فرسخ - خوی به
 شرفخانه نه فرسخ - خوی بقره هلبنی دوازده
 فرسخ - قره هلبنی باکو پنج فرسخ - ماکو
 به اریلی هفت فرسخ و نیم - رشت بقزوین
 بیست و شش فرسخ - قزوین باوج هانزده
 فرسخ .

این سیمها تمام بتصرف ایران در آمده
 است و تلگرافچی های ایرانی با آنها مشغول
 مغایرات هستند
 سردار مفخم - عرض کردم یک
 مقداری از سیم های بائر و سایر لوازم
 تلگرافی که از روسها بدولت ایران واگذار
 شده است و بایستی جمع آوری شود و از

قراری که شنیده میشود لوازمات خیلی زیادی
 است چنانکه یک روز خدمت آقای سپهسالار
 اعظم بودم فرمودند وقتی که من والی
 ایالت آذربایجان بودم یک روز برای
 سرکشی بانبارهای اسبابهائی که از روسها
 باقی مانده بود میرفتم در راه شرفخانه بعضی
 تپه های کوچک بنظر من رسید پرسیدم این
 تپه ها چیست ؟

گفتند تپه نیست سیمهای تلگراف است
 که در روی هم چیده اند این بود که خواستم
 ببینم از طرف وزارت پشت و تلگراف برای
 جمع آوری آنها اقدامی شده است یا خیر ؟
 و اما آن سیم های دائر که فرمودند هم منظور
 است ولی یک سیم دیگری که خیلی مهمل
 توجه و متعلق بخود ایرانی است و فعلا
 در دست انگلیسها میباشد آن سیمی است
 که از مشهد بسیستان کشیده شده است این
 سیم چون از یکطرف بروسیه و از طرف
 دیگر به هندوستان وصل میشود خیلی اهمیت
 دارد .

این سیم در زمان استبداد یعنی در
 زمان مهربان الدوله بمخارج خود ایران کشیده
 شده است روسها تقاضا کردند که چون
 این سیم در روسیه هم کار میکند حفظ و
 تعمیرات آنرا بعهده آنها واگذار نمایند
 بعد از آنکه نظامیان روس بایران آمدند
 آن سیمها را جبراً ضبط کردند و وقتی که
 نظامیان روسی رفتند آن سیمها بدست
 نظامیان انگلیس افتاد بعد از آنکه نظامیان
 انگلیس هم کوچ نمودند آن سیمها را
 انگلیسها من غیر حق بدست دارند علت
 ندانم سیم باین مهمی که هم بروسیه و هم
 بکرمان و هندوستان وصل میشود در دست
 انگلیسها باشد البته توجه خواهید فرمود
 که این سیم از دست انگلیسها خارج شده
 و بتصرف دولت علیه در آید .

اما آن سیمی که فرمودند بتوسط خود
 انگلیسها دائر شده است چون فرمودند
 کدام سیم است لذا بنده برای استحضار
 خاطر ایشان عرض میکنم که آن سیمی
 است که از کرد بقره نو کشیده شده است
 و آنها مدعی هستند که این سیم را نظامیان
 آنها کشیده اند .

لهذا باید تحقیق شود اگر متعلق به
 ایران است که باید دولت تصرف کند و
 اگر متعلق بایران نیست هر طور که صلاح
 می دانند خریداری نمایند .

(خود انگلیسها ابداً بآن سیم حق
 ندارند)
 سردار مفخم - بنده تصدیق میکنم
 و این سؤال که کردم برای این بود که
 شنیدم میخواهند آن سیم را با اداره تلفن
 بفرشند .

لذا عرض کردم که حق ندارند و در
 هر صورت باید به دولت ایران واگذار
 نمایند .
 وزیر پشت و تلگراف - راجع

باشیاء تلگرافی روسها مانند امور که فرمودند مقداری موجود است و در تلگراف خانه ضبط شده است و صورتش هم خیلی مفصل است می نویسد (چوب تلگرافی نظامی ۲۱۶ اصله) این صورت خیلی مفصل است و خواندن ندارد.

مقصود اینکه تمام این اسباب ها در تصرف خود دولت است اما راجع به سیم از مشهد به سیستان جوابش را به عرض میکنم.

ولی راجع به سیم کردند و قصر بنده تعقیب کردم گویا متعلق بایران نیست و مقتضیات نظامی آن سیم را ایجاد کرده است بهر حال البته اقدامات خواهد شد که بدولت واگذار شود.

رئیس - شاهزاده سردار مقیم راجع به پستخانه بنادر سؤال دیگری داشتید.

سردار مقیم - يك سؤال دیگری بنده راجع بیستخانه هائی بوده که دولت انگلیسی در بعضی از بنادر و سواحل جنوبی تاسیس کرده و مطابق قرارداد کنکره مادرید باستی در اول ژانویه ۱۹۲۲ آنها را برچینند و در یک نقطه از آنجا که از محرمه به هیدان باشد بدون اینکه امتیاز باقرار دای از دولت ایران داشته باشد سیم کابل یعنی سیم دریائی کشیده اند بهر حال بنا بود در اول ژانویه ۱۹۲۲ تمام را برچینند و دولت علیه بجای آنها تاسیس پست و بیستخانه نماید اگر چه چند روز قبل یکی از نمایندگان محترم این سؤال را بطور اختصار نمود و آقای وزیر پست و تلگراف در جواب اظهار نمودند که تا سه چهارماه دیگر پستها بر

چیده می شود چون بنده علت تنویق ناچار ماه دیگر را ندانستم می خواهم بدانم آیا ممکن است علت را بیان فرمایند و نیز برای تلگرافخانه آنجا چه اقدامی فرموده و یک نکته دیگر هم که تذکر آن عرض میکنم آقای وزیر پست و تلگراف فرمودند که انگلیس ها در شش نقطه بیستخانه دارند و حال آنکه در نه نقطه است و آن قرار داد شامل کلیه آنهاست آیا به این مسئله هم توجه فرموده اند یا خیر؟

وزیر پست و تلگراف - در چند جلسه قبل یکی از نمایندگان محترم این سؤال را از بنده فرمودند و جواب را هم عرض کردم گمان می کنم آقای سردار تشریف نداشتند یا اینکه فرموده اند بنده عرض نکردم شش نقطه عرض کردم شش نقطه است که تحت ذفاترند بوده است و سه نقطه است که مطیع دفاتر بین النهرین است و خواش نمودم که اعتماد فرمایند همانطور که که آن روز عرض کردم بکنارند تا اقداماتی که لازم است بعمل آید و نتیجه مطلوبه حاصل شود و اگر هم تجدید سؤال فرمایند فعلا جواب آن معذورم

رئیس - آقای سلیمان میرزا در موضوع سیم تلگراف کرد نظاهر آجدید سؤال دارند سلیمان میرزا - البته آقای وزیر آن قدرها از قوانین مملکتی مسبق هستند و این جمله را که فرمودند البته بر میگزینند و تکذیب میفرمایند وقتی که قشون یسک دولت اجنبی بزور سرنیزه وارد یک مملکت دیگر می شود بهیچوجه حق کشیدن سیم تلگراف و اقدامات ظالمانه دیگر ندارد بنابراین اگر نظامیان انگلیس سیم تلگراف کشیده اند یا اقدام دیگری کرده باشد بهیچوجه متعلق بآنها ندارد بلکه يك عمل غاصبانانه و ظالمانه کرده اند و باید جبران این خیانت را بکنند و هیچ مقضی نبود که آقای وزیر در مجلس رسمی بفرمایند که سیم کردند متعلق به نظامیان انگلیس است جز يك محل بدون اجازه کرده اند و هیچ کس بآنها اجازه نداده است که این سیم را بکشند و هر کس بدون اذن صاحب ملک سیم بکشند آن سیم متعلق بصاحب ملک است بنابراین چون این عبارت برخلاف نظر و عقیده بنده بلکه برخلاف تمام قوانین عدل و انصاف دنیا بوده و برای اینکه اثری از این کلمه ایشان (که اشتباه فرمودند) در آتیه پیدا نشود فوراً از آقای رئیس استعفا کردم که اجازه بفرمایند تا تجدید سؤالی بکنم و آن این است که آیا سیم کار این سیم کردند متعلق بانگلیس ها است یا اینکه اشتباه فرمودید و البته برای اینکه زخم سوءتفاهم بشود بعد از انک تمیق و تفسیری تکذیب خواهند فرمود

وزیر پست و تلگراف - این سیم در موقعی که مناسبات قسم دیگری بوده است و شاید اجازه میداده است کشیده شده و امروز این سیم در دست دولت ایران و متعلق بایران است منتهی باید یک جبهی بآنها از بابات مخارج آن پرداخته شود و وزارت پست و تلگراف با وزارت خارجه ایران مشغول اقدام است که آنرا حل و تفهیم نماید

رئیس - آقای مستشار السلطنه راجع بیست خط مشهد سؤالی داشتند مستشار السلطنه - بنده می خواستم از آقای وزیر سؤال کنم اعتباری که برای سر پست از خط مشهد بطران داده شده هم چنین مخارجی که در سنوات سابقه شده است میزانش چه مقدار بوده است

وزیر پست و تلگراف - آقای مغیر الدوله را بمعاونت وزارت پست و تلگراف معرفی می کنم معاون پست و تلگراف - مقصود حضرت عالی کویا اداره حمل و نقل پستی است که از خراسان بطهران دائر است این اداره در سال قحطی برای اینکه ملحق خیلی گران بود نتوانستند آنرا اداره کنند صاحبانش ناچار شدند تعطیل کنند و دولت برای اینکه مجبور بوده راه را نگاهداری کند مخارجی نموده و این

اداره را نگاهداری نماید ارسال میلان نیل دولت شروع کرد باینکه راه را اداره کند تقریباً هشت هزار تومان سرمایه به گذاشتند و مشغول تنظیم راه شدند و یک اسبابهائی هم کرده بچهار و جلال هایون و بعضی اشخاص دیگر داشتند که یک کمسیتی خریده شده و کم کم این راه عایداتی پیدا کرد و از آن عایدات آن اداره را توسعه دادند حالا اگر مقصود جنابعالی این است که تابحال کلیه مخدر خرج این راه

هرض می کنم که مقدمه هشت هزار تومان خرج کردند ولی در این چند ساله نیز چون دولت شروع کرد با اداره کردن راه طهران بقره تو یعنی از قم بمراق و از عراق بهمدان و از همدان بکرمانشاهان و از آنجا بقره نو و بملاره يك شبه هم پیدا کرد از همدان به تیسرکان و از آنجا به بروجرد و حساب این دوره باهم مخلوط شده نمیتوان صحباً تعیین نمود که چه مبلغ خرج این راه کرده است و چه مبلغ خرج آن راه ولی مجموعاً قریب دو بیست و هشت هزار تومان خرج این دوره کرده است و در مقابل دو هزار و سیصد و هشتاد و دو مقدار زیادی کاری کالسکه در شکیو دلیجان دارد و هم چنین در تهران اداره آهنگرخانه و موسسات خوب دارد که مالی ارزش دارد و یک خانه در آنجا دولت خریده است مبلغ سیزده هزار تومان که امروز تقریباً شصت و هفت هزار تومان قیمت دارد و بطور تحقیق قریب سصد هزار تومان اسباب و اثاثیه دارد و يك راپورت مفصلی راجع باین موضوع نوشته شده است که در آن راپورت راجع بحمل و نقل و نفع و ضرورت آن نیز ذکر شده است و مطلب موکول با اجازه مجلس است اگر اجازه بدهد دولت آنرا بترتیب سابق اداره کند و اگر اجازه ندهد دولت اسباب های آنرا بفرزند گذارده و محصولات پستی را بنامه می دهد که حمل کنند آن راپورت هم حاضر است و جزئیات هم تا یکتران و يك ویناز در آن نوشته شده است

وزیر پست و تلگراف - بودجه وزارت پست و تلگراف بایک راپورت تقدیم مجلس می شود

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (گفته شد تشریف نداشتند) رئیس - آقای سهام السلطان تشریف بیاورند و راپورت کمیسیون بودجه را قرائت فرمایند (آقای سهام السلطان بمضمون دلیل قرائت نمودند)

لايهه نمره ۲۴۶۱ وزارت داخله راجع به تقاضای بازده هزار تومان اعتبار برای مخارج انتخابات

لايهه نمره ۲۷۹۲۱ وزارت مالیه

راجع به نهصد هفت تومان مخارج گمرک خانه پست کشیک دریانچی

لايهه نمره ۲۷۹۲۵ وزارت مالیه راجع بخزینداری گمرک خانه درسامووارک قبل از تصویب پنجاه هزار تومان اعتبار دولت بمجلس پیشهاد و بکمیسیون بودجه ارجاع شده بود چون اعتبار پنجاه هزار تومان در مجلس تصویب شد از طرف دولت لوابی حق مسترد گردید

لايهه نمره ۴۴۰۷ وزارت پست و تلگراف راجع بودجه است ده هزار تومان اعتبار که از تلگرافخانه بیست خانه کمک داده شود نیز از طرف وزارت پست و تلگراف مسترد گردید

لايهه نمره ۴۹۶۲ وزارت داخله راجع بساختن ۳ برج در راه کرمان نیز برای تجدید نظریه دولت مسترد گردید

رئیس - آقای حائری زاده راجع به مطلب است حائری زاده - بنده گمان کردم علاوه بر آن پنجاه هزار تومان مجدداً اعتبار می خواهند خواستم احتراض کنم

رئیس - آقای محقق الملما (اجازه)

رئیس - آقای رئیس کمیسیون هرايض تشریف بیاورند و این راپورت را قرائت بفرمایند

حاج میرزا علمی محمد دولت آبادی - رئیس کمیسیون هرايض بنده درست چشم نمی بیند آقای متشی قرائت بفرمایند

رئیس - آقای فتح الدوله تشریف بیاورند برای قرائت راپورت (آقای فتح الدوله راپورت کمیسیون هرايض را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

جراز کمیسیون هرايض و مرخصی بمجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون هرايض و مرخصی در ۱۴ برج جدی منعقد پس از انتخاب هیئت رئیسه جلسات خود را مرتباً ادامه داده و بواسطه قانونی خود که رسیدگی بهرایض وارده است قیام و اقدام نمودند

و از تاریخ ۱۴ برج تادم برج حوت به هزار دو بیست طبری هرايض دارد و رسیدگی و مرامجه بمقامات مربوطه نموده خلاصه عملیات خود را برحسب ماده ۲۵ در اطاق تنفس از نظر آقایان نمایندگان محترم گذرانیده چند فقره مطالب مهم را کمیسیون لازم می دانند بر مجلس شورای ملی برسانند

و حکام ولایات میدهند اکتفا می نمایند این جواب مأمورین نظر باینکه شکایات از خود مأمورین است کمیسیون را قانع نکردند هرايض هم شکایات خود را ادامه میدهند تا بنای شکایات وارده از اداره پست راجع بقرامات وجه امانات پستی است که وزارت پست و تلگراف مراجعه شده وزارت جواب میدهند اداره پست مبلغ معتابه از بابات امانت پستی که سرفتشده بصاحبان اموال و تجار مدیون است پرداخت فرامات اموال مسروقه موکول بر این است که از طرف دولت و مجلس شورای ملی اعتباری با اداره پست بدهند تا فرامات مذکور متدرجاً پرداخته و بشکایات وارده خانه داده شود

تالنا شکایات وارده از شیراز و خراسان در خصوص گمرک قالی های جوهری که تابحال برحسب رای کمیسیون که در وزارت مالیه تشکیل شده بود سدی شش دریافت می نمودند و فعلا اداره گمرک اهلائی نموده که از اول حمل صدی بیست و پنج دریافت خواهند داشت باین جهت تجارت و صادرات قالی بکلی از میان می رود و ضرر عمده متوجه دولت و تجار خواهد شد علیهذا تقاضا نموده همان گمرک سابق که صدی شش است دریافت دارند

رئیس - آقای محقق الملما (اجازه)

رئیس - آقای رئیس کمیسیون هرايض تشریف بیاورند و این راپورت را قرائت بفرمایند

حاج میرزا علمی محمد دولت آبادی - رئیس کمیسیون هرايض بنده درست چشم نمی بیند آقای متشی قرائت بفرمایند

رئیس - آقای فتح الدوله تشریف بیاورند برای قرائت راپورت (آقای فتح الدوله راپورت کمیسیون هرايض را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

هالی معارف ولایات میدهند اکتفا می نمایند این جواب مأمورین نظر باینکه شکایات از خود مأمورین است کمیسیون را قانع نکردند هرايض هم شکایات خود را ادامه میدهند تا بنای شکایات وارده از اداره پست راجع بقرامات وجه امانات پستی است که وزارت پست و تلگراف مراجعه شده وزارت جواب میدهند اداره پست مبلغ معتابه از بابات امانت پستی که سرفتشده بصاحبان اموال و تجار مدیون است پرداخت فرامات اموال مسروقه موکول بر این است که از طرف دولت و مجلس شورای ملی اعتباری با اداره پست بدهند تا فرامات مذکور متدرجاً پرداخته و بشکایات وارده خانه داده شود

تالنا شکایات وارده از شیراز و خراسان در خصوص گمرک قالی های جوهری که تابحال برحسب رای کمیسیون که در وزارت مالیه تشکیل شده بود سدی شش دریافت می نمودند و فعلا اداره گمرک اهلائی نموده که از اول حمل صدی بیست و پنج دریافت خواهند داشت باین جهت تجارت و صادرات قالی بکلی از میان می رود و ضرر عمده متوجه دولت و تجار خواهد شد علیهذا تقاضا نموده همان گمرک سابق که صدی شش است دریافت دارند

رئیس - آقای محقق الملما (اجازه)

رئیس - آقای رئیس کمیسیون هرايض تشریف بیاورند و این راپورت را قرائت بفرمایند

حاج میرزا علمی محمد دولت آبادی - رئیس کمیسیون هرايض بنده درست چشم نمی بیند آقای متشی قرائت بفرمایند

رئیس - آقای فتح الدوله تشریف بیاورند برای قرائت راپورت (آقای فتح الدوله راپورت کمیسیون هرايض را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

نمایندگان واجب است که يك توجه مخصوصی نسبت بآن مدارس قدیمه بکنیم و برای اینکه آنها از این حال فلاکت بیرون بیایند لازم می دانم که مجلس با مساعدت دولت يك قدمهائی در این راه بردارد و يك کمک هائی بآنها بکند و يك پروگرامی هم برای آنها بنویسد و ماه بماه آن طلبه هائی که در آنجا هستند امتحان بکنند آنوقت ببیند که در ظرف مدت قلیلی چه تحصیلاتی در آنجا می شود تمام این تحصیلاتی که امروز هست در پروگرام مدارس قدیمه هم بوده است بلکه فردا کلمش در آن مدارس تحصیل می شد و دوره آن تحصیلات هم پنج شش سال نبوده حالایک شاگرد مدرسه که دوره تحصیلاتش پنج شش سال است می آید و تقاضای بعضی چیزها از دولت می کند ولی طلاب بیچاره مدارس قدیمه که ۱۵ سال بیست سال سی سال خون چکرمی خوردند و تحصیل می کردند تا دوره تحصیلات خود را تمام می نمودند هیچ چیز هم از دولت نمی خواستند البته امروز هم دولت باید يك مساعدتهائی به این مدارس بکند و این عبارتی که در این ماده نوشته شده است خیلی خوب است که يك هیئت مشاوره از اشخاصی که نوشته شده است برای رسیدگی بامور آنها تشکیل شود مثلا از علماء طراز اول سه نفر این خیلی خوب است ولی بنده این ماده را برای پیشرفت مقصودی که در نظر دارم کافی نمی دانم باید يك قدمهائی بلند تری برداشت بنده معتقدم که مجلس شورای ملی باید همانطور که برای مدارس ابتدائی و متوسطه چند صد هزار تومان تصویب می کند برای تحصیلات علوم دینی هم اقل پنجاه هزار تومان تصویب بنمایند و آنها را تشویق بکند و آنها را سال بسال امتحان کند ولی اینکه شاهزاده سلیمان میرزا وحشت دارند و میفرمایند این اشخاصی که اینجا انتخاب می شوند باید بدانند حقوق ندارند بنده بالاتر عرض می کنم شرط کنند آن اشخاصی هم که داخل در آن مدارس می شوند و تحصیل می کنند هیچوقت تقاضای کاری از دولت ننمایند و فقط عالم دیانت باشند و اگر باین رویه که فعلا پیش میرویم پیش برویم تا ده دوازده سال دیگر این مدرسه سیهسالار با این عظمت هم خراب و ویران خواهد شد و علوم دینی هم از بین خواهد رفت و بنده در عالم اسلامیت این مطلب را خیلی بد میدانم که در دوره ما نمایندگان ملت ایران این خسارت بمال اسلام و دیانت وارد شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (گفتند بلی)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (گفتند بلی)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (گفتند بلی)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (گفتند بلی)

رئیس - آقای سلیمان میرزا (گفتند بلی)

دوره چهارم

ملکست بشود این اوقاف برای کدام مدارس است؟

برای همین مدارس قدیمه است حالا هایدی این اوقاف بکجا میروند بنده چه عرض کنم آیا بصرف مدارس که برای آنها وقف شده است میرسد؟ آیا بصرف حقیقی خودش میرسد؟ با کمال جرات عرض میکنم خیر! همانطور که فرمودند اگر قنبری بلندتر حرف بزنیم صدای ما بهمین مدرسه سه ساله میرسد اگر وقف نامه آنها بخوانید و بآن ترتیب که در وقف نامه نوشته شده است اگر عمل شود یکی از بهترین مدارس دنیا می شود این مسئله چندان اهمیتی ندارد این مدرسه ای است که بیخ گوشمان است و هر روز صدای زنگ ساعت و اذان آنها می شنویم تعقیب کنید ببینید چه نحو اداره میشود مخالفت بنده از این نقطه نظر است که می بینیم یک نفر مالیه خود را وقف یکی از مدارس قدیمه می کند وقف نامه می نویسد که این مالیه من بچه نحو در آن مدرسه مصرف شود و بچه چوچه مطابق میل آن واقف رفتار نمی شود و از میان می رود فرمودند که مدارس قدیمه خراب شده است مناسب است که یک شمر در جواب ایشان عرض کنیم همه از دست غیر می نماند

چه تحصیل کرده این است که چه در مرکز و چه در ایالات و ولایات دو چیز از همه خرابتر است .

یکی مدارس قدیمه است و یکی مساجد و معابد اینهم نیست مگر برای اینکه آن اشخاصی که عایدات موقوفات را می گیرند بصرف حقیقی خودش نمیرسانند البته اگر نظارتی در کار بود هر وقت ثابت میشد که کسی مال وقف را خورده و اجاعاف کرده است او را مجازات میکردند و مدارس باین اندازه خراب نمیشد و اگر باین ترتیب امروزه پیش برویم ده بیست سال دیگر اسمی هم از این مدارس باقی نخواهد بود .

بنده مخالفتم با آن اشخاصی است که برخلاف وظیفه عمل می کنند و الاچطور میشود که من با معارف مخالفت کنم بنا بر این بنده باز هم تکرار می کنم همانطور که ما باید مواظبت بکنیم که مالیاتی که از ما یا گرفته می شود بصرف حقیقی خودش یعنی امنیت و حفظ استقلال و ترقی ملکست برسد نه بصرف شهریه اشخاص صاحب یازک و کالسکه و غیره همانطور هم وجداناً و شرعاً مکلف هستیم که سعی کنیم و عایدات اوقاف را بصرف حقیقی خود برسانیم .

بنده منتظر بوده و هستم که آقای مدرس و سایر آقایان اهل علم این مطلب را مفصلتر از این بیان فرمایند برای اینکه ایشان حق و اولی هستند و یک قسمت از این مطلب هم امر بمعروف و نهی از منکر است و بایستی رود ریاستی و ملاحظه از بین برود فقط ملاحظه است که این ملکست را خراب کرده است ملاحظه است که معلوم نیست این متولیان چه ترتیب انتخاب میشوند ملاحظه است که هر روز از طلاب بدبخت هر یقه میرسد که این وجهی که اوقاف برای ما معین کرده است بما میدهند و صدای کسی هم در نمی آید .

البته باید این ملاحظات از بین برداشته شود و مال هر کسی بدست خودش برسد آن بدبخت بیچاره که امروز از این عالم رفته و آخرین آرزوی این بوده است که دارائی او در این راه خیر مصرف شود باید مطابق میل و آرزوی او رفتار کنند این است که اگر بغواهی این مدارس آباد شود و تحصیلات طلاب قدیمه هم ترقی کند باید یرده معافانه کاری را درید و معلوم کرد برای چه مال اوقاف از بین می رود و باید گفت چرا صورت حساب اوقاف هر سال چاپ نمیشود و این شاگرد طلبه بدبخت که ساها زحمت کشیده و تحصیل کرده چرا امتحان نمیشود؟ و پس از امتحان اگر معلوم شد که مدتی این طلبه مال وقف را بپورده خورده و تحصیل ننکرده چرا عذرش را نمیخواهند که از مدویه بیرون

برود؟ باین واسطه بنده عرض کردم با این ماده مخالفم زیرا اگر این ماده را برداشته میشد و به آن طریق که بنده عرض کردم درآمده دوم که اعضای شورای عالی معارف را معین کرده است در آخر آن سه نفر از مجتهدین درجه اول و دو نفر هم از مدرسین درجه اول و دو نفر هم از متولیان درجه اول مدارس قدیمه اضافه شود که با هم مشارکت کنند آنوقت بعقیده بنده بکارها بهتر رسیدگی میشود البته مدارس قدیمه است که باید برای مدارس جدید معلم تهیه کند ولی در صورتیکه اصولش را منظم کنیم و مطابق وقف نامه اداره شود حالا که ما معتقدیم مدارس شبانه روزی، باید تأسیس کرده و وسائل تحصیل اجباری را فراهم کنیم البته میتوانیم این مدارس قدیمه را دارالمعلمین قرار بدهیم که برای ماملم ابتدائی و عربی و بالاخره مجتهد تهیه کند تصور میکنم دیگر لازم نباشد بیش از این از اوضاع استفاک مدارس قدیمه و غارتگری اموال وقف عرض کنم بهر حال اگر پنجاه میلیون هم بر کمک مالی آن مدارس بیفزاییم همانطور که تاکنون از این رفته حالا هم از بین می رود چرا باید سی سال چهل سال بلکه مادام العمر دوره تحصیلات این مدارس باشد؟ اگر امتعانی در بین بود بین آن کسی که زحمت کشیده و تحصیل کرده و آن کسی که تنبلی کرده فرق میداند و موقوفات را بطور صحیح جمع آوری نموده و مطابق دوره تحصیلات این مدارس طول میکشد بعقیده بنده چون این موضوع موضوع مهمی است اگر نماز کرده در آن چند مرتبه تکرار شود ضرر نمیخواهد داشت اگر ما بغواهی مدارس قدیمه درست و مرتب بشود باید در اوقاف نظارت کرده و حتماً از متولیان صورت مخارج اوقاف را بغواهی اگر یک مخارج زیادی شده است باید رد کنیم و اگر یکی از متولیان مال وقف را حیف و میل کرده او را معزول و مجازات کنیم تا بقاگران دیگر در اوقاف ملکست دست تجاوز دراز نکنند بعقیده بنده این بگانه راه و وسیله مرتب کردن مدارس قدیمه است و تا اشخاصی که مال ملکست را حیف و میل میکنند مجازات نشوند روح ملکست اصلاح نخواهد شد

تدین (مخبر) - بنده بر حسب وظیفه مخبری سکه دارم باید نظریات کمیسیون معارف را در خصوص ایشانده عرض آقایان برسانم قبل از اینکه داخل در بیان نظریات کمیسیون بشوم بغواهی عرض میکنم که مدارس قدیمه باندازه اهمیت دارند که محتاج اثبات نیست ولی چند جهت را لازم است عرض کنم

اولا اهمیت مدارس قدیمه از نقطه نظر تعلیمات دینی است زیرا این مدارس

سابق دایر بوده و حالا بکلی خراب شده است پس بجهت اجرای ماده سیزدهم و اهمیت مدارس قدیمه کمیسیون با موافقت وزیر معارف و اوقاف تصدیق کرد که یک شورای مخصوص هم برای این کار تشکیل شود و بعقیده بنده فلسفه دیگری هم دارد و آن اینست که با در نظر گرفتن اهمیت مدارس قدیمه کمیسیون تصویب کرد که یک شورای برای آنها تأسیس شود و مطلب از دو صورت خارج نیست یا این سکه این شورا با انجام وظیفه موفق خواهد شد یا نخواهد شد اگر موفق شد عین همین مقصود است اگر موفق نشد تبدیل می شود بیک شورای دیگر در نتیجه وقتی که دولت مایوس شد خودش مستقیماً در آنها نظارت خواهد کرد بنابراین بنده تصور می کنم این مدارس موقوفاتی که دارد در صورتیکه موقوفاتش موافق عرض واقف بصرف برسد هیچ محتاج بکمک دولت نباشد و در ضمن بیاناتی که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مخالفت اساسی نداشتند ایشان و بنده همه آقایان تألم و شکایت داریم از خرابی آنها و کمیسوی هم برای جلوگیری از خرابی شورای مخصوص برای مدارس قدیمه تصویب کرد و نیز حضرت والا در ضمن مذاکراتشان مراجعه فرمودند باین مدرسه سه ساله بنده در موقع کابینه قوام السلطنه وقتی که در اینجا مذاکره بود نسبت باین مدرسه و سایر مدارس قدیمه اظهار عقیده کردم عقیده بنده این است که این مدرسه سه ساله ممکن است یکی از مدارس عالی نظیر جامع اهر شود اما مشروط بر اینکه اداره شود و همین موقوفات حالیه هم برای آن تاحدی کافی خواهد بود ولی در اینجا لازم میدانم یک تذکری هم به آقایان بدهم در قانون اداری وزارت معارف درآمده شش کوظائف اداره اوقاف را ذکر می کند در جزء هم است معذکلت هنوز موفق نشده اند که آن مدارس را مجانی کنند ولی در اینجا علاوه بر اینکه مدارس قدیمه مجانی است یک چیزی هم دستی به معصلمین می دهند حالا راه نگهداری این مدارس چیست؟ ماده سیزدهم قانون اساسی معارف که از مجلس هم گذشته است می گوید معارفی که از اموال اوقاف دائر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحی و ترتیب تعلیمات و امتحانات و نمره ها تا اندازه ای که با عرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است نظیر اجرای این ماده و اهمیت مدارس قدیمه هم بنده و معارف را در خصوص ایشانده عرض آقایان برسانم قبل از اینکه داخل در بیان نظریات کمیسیون بشوم بغواهی عرض میکنم که مدارس قدیمه باندازه اهمیت دارند که محتاج اثبات نیست ولی چند جهت را لازم است عرض کنم

اولا اهمیت مدارس قدیمه از نقطه نظر تعلیمات دینی است زیرا این مدارس

کردن وزارت معارف و اوقاف موقوفاتی را که تولیت آنها مستقیماً راجع بسططان مصر است با اجازه سلطان مصر خواهد بود و همین جهت است که متولی برای استان مقدس رضوی و این مدرسه سه ساله از طرف شخص شاه معین میشود و دولت نمی تواند متولی معین کند پس ما قبلاً باید این اشکال را مرتفع سازیم و بعد این مدارس را اداره کنیم تصور می کنم بعد از این مطالبی که عرض کردم و نظریات کمیسیون معارف را عرض رساندم دیگر جای مخالفتی باقی نباشد و امیدوارم در آتی هم کوشش کنیم که این شورای معارف باید پنج وقت تشکیل بشود و با موافقت وزیر معارف شروع بانجام وظیفه کند که انجام در تنظیم مدارس قدیمه و سعی در ترویج علوم دینی باشد

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - بنده در این موضوع هیچ اختلافی از هیچکس نمی بینم مدارس قدیمه که قبلاً در این ملکست دایر شده است قریب صد مدرسه میشود و می توان گفت که تقریباً سالی یک کرور هایدی موقوفات این مدارس است و هر ایرانی چه از نقطه نظر دیانت و چه از نقطه نظر ملکست و معارف خواهی حتماً علاقه مند است که این مدارس منظم و دائر باشد آقای مخبر اصفاً آنچه فلسفه مسئله بود بطور وضوح بیان فرمودند و اینکه فرمودند بجهت بعمل نفوق مدارس قدیمه بر جدید از نقطه نظر دیانت است صحیح است ولی بکنن باقی علوم هم که مرسوم است همه در این مدارس خوانده میشود و الا انهم اغلب علوم از قبیل هندسه - حساب - فلسفه - طب در این مدارس خوانده می شود بنده خودم خاطر هست در اصفهان در اغلب مدارس علم طب تحصیل می شد پس در اصل مسئله که اصلاح مدارس قدیمه باشد اختلافی نیست گفتگو در این است که فرمودند باید بامور کلیه مدارس مرگزیت داد بنده عرض میکنم مرگزیت این دونوع مدرسه بهمین طریق است که در این قانون پیش بینی شده و هر دوی آنها را در تحت نظر و مراقبت وزیر معارف قرار داده است اما اگر ملاحظه فرمایند می بینند که شورای عالی معارف بعضی وظایف دارد که این شورا نمی تواند باین قبیل کارها دخالت کند و مناسب هم ندارد مثلاً تصدیق بصلاحیت روزنامه نویسی یا کتاب نویسی بکنند و باین واسطه بوده است که برای تنظیم ترتیب مدارس قدیمه شورای دیگری معین شده است و چون هر دو شورا را در تحت نظر یک وزیر قرار داده اند باین واسطه مرگزیت هست و احاطه مسئله که هست و لابد باید عرض کنیم این است که وظایف

و تربیاتی برای این شورا هست که حالا نمی شود آن وظایف را معین کرد و بایستی پس از تشکیل این شورا با موافقت نظر وزیران وظایف و ترتیبات معین شود؟

اندا عجالتاً باید بهمین ترتیب اکتفا کرد تا بعد بوظایف آنها و نظامنامه که لازم است موافق ترتیبات وقف نوشته شود ضمناً يك مسئله آقای تدین فرمودند که باید رفع این اشتباه شود و فرمودند این مدرسه را وزارت معارف نمی تواند اداره کند و مستسک بیک ماده شدند بنده عرض میکنم یاد شده هم مثل سایر اشخاص می ماند اگر بنا شد متولی شخص بنده باشم یا آقای رئیس التجار یا شخص سلطان باشد هیچ فرق نمی کند همه در حکم یکدیگر و مثل هم هستیم نظارت در اوقاف را مجلس شورای ملی بموجب قانون وزارت معارف داده و همه افراد میتوانند در نظارت شرکت داشته باشند و هیچ فرق نمیکند که شخص سلطان متولی باشد دیگری نظارت قانونی وزارت معارف و اوقاف نسبت بکل موقوفات ملی السویه است لذا وزارت معارف و اوقاف می تواند بانظریه آن شورائی که تشکیل خواهد شد در این مدرسه و سایر مدارس بطوریکه و قفنامه معین کرده نظارت بکند و امیدوارم همه آقایان در این موضوع موافقت فرمایند چه این اولین قدمی است که انشاء الله الرحمن برای اصلاح امور دینی و توسعه معارف برداشته میشود

رئیس - مذاکرات در این مسئله کافی است .

(گفته شد کافی است) پیشنهاد آقای سلیمان میرزا نموده اند قرائت می شود بعد رأی می گیریم .

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه چنین اصلاح شود برای اهتمام در تنظیم مدارس قدیمه و سعی در ترقی علوم دینی در تحت نظرم اوقت وزیر معارف شورائی به ترتیب ذیل تشکیل خواهد شد از علماء درجه اول سه نفر از مدرسین درجه اول معقول و منقول دو نفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول دونفر این شورای وشب آن مطابق قانون مخصوص درم کز ایالات ولایات دائر خواهد گردید

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته همانطور که عرض کردم بنده با بودن دو شورا با آقایان اختلاف داشته ولی چون آقایان توضیح دادند که ممکن است پس از چندی اگر نتوانستند از عهده برآیند اختیارات دست ما است و می توانیم ترتیبی معین کنیم بنده می توانم قانع شوم این ماده باقی بماند ولی تنها اشکالی که برای بنده باقی خواهد ماند این است که باید نوشته شود این شورای وشب شعب آن مطابق قانون مخصوصی که وضع خواهد شد دائر خواهد شد

بنابراین بنده پیشنهاد کردم این ماده اینطور نوشته شود چون البته مرکز این شوری هم يك قانونی لازم خواهد داشت و ممکن نیست این شورا بطور اختیار مطلق هر کاری بکند .

رئیس آقای مخبر در این باب چه میفرمائید؟

مخبر - این ماده چهارم دلالت بر تأسیس شورای معارف قدیمه میکند و اگر کلمه اینکه ایشان میفرمایند بنده میگویم که مرکز وشعبه اش در ایالات و ولایات مطابق قانون مخصوصی دائر شود این ماده چهارم فایده نخواهد داشت زیرا محتاج باین خواهد بود که يك لایحه مخصوصی از طرف وزارت معارف پیشنهاد شود و تا آن قانون از مجلس بگذرد این شورائی می تواند تشکیل دهد ولی مهمل تصور میکنم طرفین قضیه چندان اشکالی نداشته باشند این پیشنهاد قبول بشود هر دو بعقیده بنده علی السویه است زیرا همانطور که آقای مدرس فرمودند بعد از دائر شدن این شوری باید نظامنامه صحیحی از طرف مقامات مربوطه تهیه و بمجلس تقدیم شود بنابراین در قبول کردن این پیشنهاد هم بنده اشکالی نمی بینم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بیاناتی که آقای مخبر فرمودند تقریباً مفادش این بود که پیشنهاد بنده را قبول فرمودند با اینکه این کلمه را صراحة در قانون ذکر نکرده اند معذکلت توضیحی که دادند عین مقصود بنده بود البته برای اداره کردن این شوری يك نظامنامه لازم و ضرور است و باید از مجلس هم بگذرد پس بعقیده بنده قید این مطلب لازم است والا اگر لغت مرگزیت ما قید نکنیم آنوقت معلوم نیست مثلاً سه نفر از مدرسین درجه اول منقول و معقول بچه ترتیب انتخاب خواهند شد چون نحو انتخاب شدن آنها هم خود یک طرز و ترتیب معینی دارد و هم چنین از متولیان درجه اول سه نفر بطور انتخاب خواهند شد بنابراین همانطور که برای شعب قانون لازم است برای مرکز هم نهایت درجه لزوم را دارد و دیگر بیش از این چیزی عرض نمی کنم زیرا مطابق بیاناتی که آقای مخبر فرمودند نظریه شان با بنده موافق است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده باین پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مخالفم زیرا بطوریکه نخستین قدمی است که ما برای اصلاح مدارس قدیمه بر می داریم و برای حصول باین مقصد ناچاریم علمای اعلام را بطلبیم و ایشان را بیآوریم و بنشانیم که برای مدارس ما قانون

بنویسند و البته اینطور نیست که آنها از پیش خود قانون بنویسند بلکه موافق اصول کتاب وقف که یکی از کتب شریعه است و همای وقت هم به آن عمل می کنند قانون انشاء خواهند نه بعالم خود ما چقدر می توانیم برای مبادات قانون وضع کنیم

ما باید قانون برای امور سیاسی انشاء کنیم بنابراین شعی که در ایالات و ولایات هستند باید قانونش را خود آنها از روی کتاب وقف استخراج کرده و بنویسند (خطاب به آقای رئیس) بلکه فرمودید؟

رئیس - چیزی نگفتم

همچو تصور کردم که فرمودید از موضوع خارج است و حال آنکه همین موضوع است باری اگر از حالا بگیریم قانون علمادار ما باید بنویسیم موقت حاصل نخواهیم کرد زیرا موقوفات در دست متولیان است علماء باید نظامنامه برای این شعب ایالات و ولایات تهیه و ترتیب کنند اینکه وزیر لایحه را پیشنهاد کند و آنوقت مادر اینجا داخل موضوع شویم اینک عرض کردم

بایشهاد حضرت والا مخالفم برای این بود که این پیشنهاد عملی نیست بنده همیشه با ایشان عرض می کنم باید مشی عملی نمود نه مشی آمال و آرزو چه اگر بغواهیام باز مشی آمال و آرزو را ادامه دهیم و فرموده ایشان قانون روز از وزارت معارف بنویسند منتج به نتیجه مطلوب نبوده و اگر هزاران از این لوائح از طرف وزارت معارف نوشته شود هیچیک قبول نخواهد شد و عمل هم نمی شود

سلیمان میرزا - چنین نیست

آقا سید یعقوب - فرض این است این نظامنامه که برای مرکز و برای ایالات و ولایات لازم است باید علماء بنویسند

رئیس - این پیشنهاد مجدداً قرائت می شود بعد در قابل توجه بودن آن رأی می گیریم

مدرس - چون سوء تفاهمی شده بنده توضیحی می خواهم عرض کنم

رئیس - بعد از رأی توضیح بفرمائید (پیشنهاد آقای سلیمان میرزا مجدداً قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماده العاقبه چنین اصلاح شود برای انجام در تنظیم مدارس قدیمه و سعی در ترقی علوم دینی در تحت نظر و مراقبت و زیر معارف شورشای بر ترتیب ذیل تشکیل خواهد شد

از علماء درجه اول سه نفر از مدرسن درجه اول منقول و معقول دو نفر از متولیان مدارس قدیمه درجه اول دو نفر این شعوری و شعب آن مطابق قانون مخصوص در مراکز ایالات و ولایات دائر خواهد گردید

رئیس - رأی می گیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام نمودند

رئیس - تصویب نشد خطاب با آقای رجبی - تصویب نشد خطاب با آقای رجبی - تصویب نشد خطاب با آقای رجبی - تصویب نشد خطاب با آقای رجبی

مدرس - بنده عرض کردم همانطور که اعضاء شورای عالی معارف با شریعی که برای آنها لازم است وزیر معین میکنند قانون این شعور هم موافق شرطی که علماء می نویسند ترتیب می دهد و بعد يك نظامنامه هائی برای شب مرکز و ولایات بانظر وزیر نوشته خواهد شد و گمان می کنم این ترتیب هیچ اشکالی نخواهد داشت

رئیس - پیشنهاد دیگری از طرف آقای محمد هاشم میرزا راجع باضا افزود یکنفر ادیب شده قرائت می شود بعد رأی می گیریم

(بضمون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می کنم در این شعوری یکی از ادبای درجه اول عضویت داشته باشد

محمد هاشم میرزا - در موضوع شعور اول لایحه برای عضویت شعوربا معالی معارف بنده این پیشنهاد را کردم ولی متأسفانه کمیسیون قبول نکرد لکن چون اول معارف قديمه ادبیات هر بی نهایت از شعور را دارد و غالب مواد علوم آن زبان هر بی تدیس میشود

لذا در این موقع مجدداً پیشنهاد سابق خود را تجدید و از آنجا که لزوم وجود يك نفر ادیب برای اصلاح علوم و ادبی در این شعور کمتر از وجود دو نفر متولی نخواهد بود بلکه مقدم هم هست این است که بنده مجدداً وجود یکنفر ادیب را در این مؤسسه لازم و حتمی میدانم و بر طبق این پیشنهاد کردم

مخبر - متأسفانه بنده این دفعه هم با پیشنهاد حضرت والا مخالف هستم

محمد هاشم میرزا - مغالب باشد

مخبر - برای اینکه اول وظیفه این شعور اتمام در ترویج و پیشرفت ادبیات - فلسف - تاریخ - و ادبی - است خواهد بود و البته با ملاحظه این وظیفه وزیر در نظر خواهد گرفت که از این دانشمندان پنجگانه یکنفر ادیب درجه اول انتخاب نماید از دو صورت خارج نیست بنده قدری مسئله را تشریح میکنم

اولا باید دانست مقصود حضرت والا ادبیات فارسی است یا ادبیات هر بی اگر مقصود نشر ادبیات هر بی است تصور می کنم وجود یکنفر مجتهد جامع الشرائط این نظراً کاملاً تأمین کرده برای این مقصود کافی باشد زیرا هیچ بنظر نمی آید کسی مجتهد باشد ولی اطلاع کامل از کیفیات زبان و ادبیات هر بی یعنی همان

زبانیکه از ایزتو او باید دارای آن مقام هالی و واجد آن شرایط ارجمنند شود نداشته باشد و اگر فرض ادبیات فارسی است وجود دو نفر از علمین درجه اول مدارس متوسطه و پنج نفر از دانشمندان عصر باز مسئله را تأمین می کند منتهی در هروقت در نظر خواهد گرفت از آن پنج نفر مخصوصاً يك نفر ادیب انتخاب کند چه اگر مسئله غیر از این که عرض شده باشد آنوقت شورای معارف بکلی منقضی خواهد شد و بر رخواهند گفت چه جهت دارد که تنها یکنفر از ادباء اضافه شود باید یکنفر هم از متعلمین زراعت و فلاحه و یکنفر هم از متعلمین صنعت در این شعور عضو بوده و داخل مسائل و امور زراعتی و صنعتی شرکت کنند مخصوصاً نباید این نکته را فراموش کرد وقتی که این راه باز و فتح باب شد آنوقت اینقدر برعهده اعضاء افزوده خواهد شد که از ده نفر به بیست و چند نفر تجاوز می کند و مسئله فرع زائد بر اصل خواهد شد بملاحظه بطوریکه عرض شد مقصود حضرت والا در فسخ انتخاب دو نفر از علمین درجه اول مدارس و پنج نفر دانشمندان طراز اول بعمل خواهد آمد و تأمین خواهد شد

محمد هاشم میرزا - اجازه بفرمائید

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - اینکه آقای مخبر راجع به شورای عالی معارف توضیح دادند بنده در موضوع این شعور که برای این مدارس قدیمه معین شده و فعلاً مطرح محل بحث است عرض کردم و باید به شعور عالی معارف با مدرسه صنعتی و فلاحتی نظری نداهمت و اینکه می فرمایند مجتهد جامع الشرائط در شورای عالی معارف هست البته مجتهد جامع الشرائط دارای معلومات منقول و معقول است ولی در همین حال ممکن است یکنفر مجتهد جامع الشرائط باشد و ادبیات فارسی را نداند بلی در مدارس قدیمه تحصیلاتی میشود که دارای شقوق و مواد مختلفه است از قبیل نحو - صرف - معانی بیان - بدیع و غیره که هر کدام دارای تحصیل منحصراً به فقه و اصول باشد بلکه سایر شقوق علوم و ادبیات را هم باید تحصیل کند در این صورت چه ضرر دارد یکنفر از متخصصین این فن در این شعور انتخاب شود و بنده هر چه فکر میکنم دلیلی برای مخالفت ایشان در قبول این پیشنهاد نمی بینم

رئیس - رأی می گیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب می کنند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

قابل توجه نشد رأی می گیریم باین ماه ترتیبی که از کمیسیون پیشنهاد شده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید (عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد پیشنهاد دیگری از طرف کمیسیون شده قرائت میشود

مخبر - توضیحاً لازم است عرض کنم این پیشنهاد باید قبلاً از طرف کمیسیون شده باشد و فراموش شده بدو ماده دهم قانون اداری و وزارت معارف را که مراجع تعیین وظایف وزارت معارف می کنند تذکر آقایان قرائت میکنم

ماده دهم وظایف هیئت مشاوره - اول حل غوامض امور معارف و مکاتب

دوم - تصفیه اصلاحات بین مدارس و مکاتب

سوم - رد و قبول تالیفات معینه برای معارف

چهارم - مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات ثلاثه از وجهه اهانه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات به مقتضیات حال پنجم - تعیین مصرف و وجوه فوق العاده که برسم هدیه و امانه می رسد و وجوه موقوفات که با اختیار وزارت معارف گذارده شده باشد

ششم - معاونت فکری بوزیر در هر نوع مسئله و مشکلی که بآن هیئت رجوع شود

رئیس - آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - بلی آقای مخبر در مسامت

اخیر ملتفت نکته مهمی شدند که باید در مسامت اول ملتفت آن شده باشند بنده می خواهم در ضمن شعور اخیر بعضی نکاتی راجع باین موضوع عرض کنم و عدم توافق این لایحه را با قوانین موضوعه خاطر نشان نمایم زیرا این لایحه با سایر قوانین موضوعه که راجع به معارف مملکت نوشته شده است مغایرت دارد متأسفانه در مملکت ما هنوز ماشین آلات و چرخهای حکومت شوروی و حکومت ملی بطوریکه شایسته است دائر و ساخته نشده است در سایر ممالک يك انجمن و مجلس موجود است که کلیه لوازم در آنجا میرود و با قوانین موضوعه مملکتی سنجیده شده و مقایسه و تطبیق میشود پس از آنکه در آنجا تطبیق شد آنوقت از آنجا به مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود در صورتیکه متأسفانه در مملکت ما هنوز هیچگونه مجالس و مؤسسه ها وجود نداشته و در نتیجه اسباب انواع سوء تفاهات در مسائل اساسی میشود چه اگر ما مانده سایر ممالک دارای اینگونه چرخهای دائر بودیم هم خیلی از کارها منظم تر و صحیح تر میشد و هم خیلی از بارها از دشمنان برداشته می شد باری اخیراً که بنده مطالعه میکردم و این لایحه را با آن قوانین که در دوره دوم راجع به تشکیلات وزارت معارف مجلس گذشته است مقایسه میکردم يك تباین کلی بین این دو قانون مشاهده و ملاحظه نمودم تبانی که بنظر بنده رسیده این است که این لایحه مخالف با ماده دهم قانونی است که در اوایل سنه ۱۳۲۸ توسط مرحوم صنایع الدوله که در آن تاریخ وزیر معارف وقت بودند به مجلس آمده و از مجلس هم به کمیسیون معارف که آنوقت مرکب از عده ک حقیقتاً میتوان آنها را متعصم همرد ارجاع و احاله شد قانون مزبور در کمیسیون منقح شده و پس از مدتی مذاکرات به مجلس آمده و تصویب شد آن قانون مشتمل بقانون اداری معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه است که در بیست و هفتم شعبان ۱۳۲۸ از این مجلس گذشته است اگر آقایان محترم ماده دهم آن قانون را که چندان مطالعه هم لازم ندارد بخوانند ملاحظه خواهند فرمود که با این قانون که فعلاً مطرح است تفاوت و فرقی کلی دارد چرا اینطور شد ؟ برای اینکه مملکت ما يك مرکز معینی ندارد که در آنجا بدو لوازم قوانین با یکدیگر تطبیق و مقایسه شده بعد به مجلس شورای عالی معارف برای استحضار خاطر آقایان لازم است موازداختلاف این لایحه را با آن قانون عرض کنم اولاً راجع باسم این لایحه در آنجا اسم شورای عالی معارف هیئت شورای معارف گذارده شده بنده میدانم

بدون اینکه آن قانون نسخ و ملغی شود به حق اسم او را مبدل بشورای عالی معارف نموده اند در صورتیکه در آن قانون اسم این انجمن و مجلس هیئت شورای معارف است دیگر اینک با اینکه تنظیم بودجه و رسیدگی به حسابات وزارتخانه یکی از وظایف مهمه مدیر کل بشمار میرود در اینجا آمده اند این امر را بشورای عالی معارف ارجاع کرده اند

مخبر - کجاست وحید الملک - حالا عرض می کنم در فقره هفتم ماده سوم قانون اداری وزارت معارف مصرح است که رسیدگی بترتیب بودجه وزارت معارف و رسیدگی به حسابات وزارتخانه از وظایف حتمی مدیر کل است و اینجا بدون اینکه اسمی از مدیر کل برده باشد این امر را ارجاع بشورای عالی معارف نموده است این را چه طور میتوانیم با یکدیگر سنجیده و تطبیق کنیم مثلا فقره سوم از ماده دوم آن قانون تهیه و سائل تحصیلات ابتدائی و مجانی و اجباری و تمسیم تحصیلات متوسطه و عالی را از وظایف خاص وزیر میدانند و در این لایحه که پیشنهاد شده است این مسئله را موکول بشورای عالی معارف نموده است دیگر اینک از جمله چیزهایی که در این لایحه ذکر شده در یکی دو مورد داخل در اجرائیات وزارتخانه می شود و مسئله اجرائیات را از وظایف این شعوری میدانند در صورتیکه این شعوری بهیچوجه جنبه اجرائی نباید داشته باشد باز موضوعات دیگری هم هست که کاملاً متناقض و تفاوت بین این لایحه و آن قانون سابق محرز و ثابت میدارند و ممکن است بنده آن تفاوتها را پیدا کرده و به آقایان نشان دهم این بسورت مادام که قانون تشکیلات اداری و وزارت معارف با این قانون تطبیق و رفع این نواقص موجود نشود ما ابدأ نمی توانیم باین قانون رأی بدهیم بلی ما می توانیم این لایحه را قانون بشماریم که آن قانون سابق که از مجلس گذشته و فعلاً در وزارت معارف در جریان است نسخ و ملغی کنیم آنوقت می توانیم داخل این لایحه بشویم قطع نظر از این مراتب ایراد دیگری که بنده به آقای تدین دارم این است بصرف اینکه ماده دهم را از آن قانون حذف کنیم ما نمیتوانیم يك شورای عالی معارف را بدون هیچ سابقه و مقدمه داخل تشکیلات وزارت معارف کنیم زیرا که رجوع بآن قانون بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که تشکیلات اداری وزارت معارف به ۹ اداره منقسم می شود

۱- دائره وزارتی مشتمل بر وزیر و کابینه وزیر - ۲- مدیر کل - ۳- اداره تعلیم عمومی - ۴- اداره معارف - ۵- اداره اوقاف - ۶- دائره تحقیقات - ۷- دائره تقهش - ۸- دائره محاسبات - ۹- هیئت شورای عالی معارف

این دوائر وزارت معارف است حالا بنده نمی دانم بچه ترتیب باین شورای عالی معارف را داخل در تشکیلات وزارتخانه میکنیم بدون اینکه در قانون تشکیلات وزارت معارف اسمی از آن برده باشیم يك فلسفه دیگری هم هست که باین عرض کنم و آن اینست که در هر اداره امروزه در حکومت ملی باید سه عنصر موجود باشد و این سه عنصر همیشه از یکدیگر مجزای هستند همانطور که در مملکت سه عنصر سه قوه موجود است و عبارت از اهمیت شوری مقننه و قوه قضائیه و قوه مجریه است و اساس دولت بر روی این سه قوه استوار و مستحکم است همینطور در هر وزارت خانه یا اداره هم باید سه عنصر باشد قوه موجود باشد در عین حال از یک دیگری مجزای و تفکیک شده باشد اول عمل است که بمنزله هیئت اجرائیه است دوم هیئت مشاوره است سوم ترتیب قضاوت که باید هر کدام از یکدیگر مجزای باشند و چون در این لایحه این مسئله را در نظر نگرفته اند بدین جهت از عمل با یکدیگر تصادم حاصل کرده و امروز اجرایی می افتد در نتیجه اجرایش مشکل خواهد بود (وظایفی که در این لایحه برای شورای عالی معارف معین کرده اند اغلب مربوط بوظایف هیئت شورای معارف يك وزارتخانه نیست چه اساساً شورای عالی معارف يك اداره است مثل سایر ادارات وزارت معارف و باید در تحت نظر و اوامر وزیر و در تحت ریاست او باشد همانطور که وزیر اعضایش را معین میکند همانطور هم سایر ترتیبیانش باید در تحت نظر وزیر و با تعلیمات او باشد ولی با ترتیبی که فعلاً ذکر و قید شده این شورای عالی معارف را خارج از ترتیب و رویه خود نموده و يك اداره مافوق وزیر درست کرده است

رئیس - این مطالبی که می فرمائید راجع بکلیات است

وحید الملک - عرض این است این ماده را بشرطی که فعلاً پیشنهاد شده ما نمی توانیم تصویب کنیم مگر اینکه قبلاً آن قانون را لغو یا جرح و تعدیل کنیم ولی مادام که آنرا لغو نکرده ایم نمی توانیم بقانونی بودن این لایحه رأی بدهیم

مخبر - اولاً فرمودند این نکته را که بنده اخیراً ملتفت و متذکر شدم - بیایست بدو ملتفت شده باشیم این گناهی نیست برای اینکه هروقت انسان چیزی را می فهمد ممکن است تذکر داده و پیشنهاد کند تنبأ می فرمائید در ایران شورای دولتی یا (کنی دوتا) تصور نیست که کلیه قوانین و لوایح بدو آنجا رفته بعد که تصحیح و یا کیزه شده به مجلس هودت نماید پس باید مادام که شورای دولتی در مملکت نیست هیچ قانونی به مجلس نیاید این حرف بنظر بنده اساسی نیست و بعلاوه همین قانون تشکیلات

وزارت معارف در سنه ۲۸ بمجلس آمده و کمیسیون معارف که خود ایشان و جمعی دیگر عضو آن بودند ارجاع شده مگر قبلاً بشورای دولتی رفته ، آنها مثل همین لایحه بدون اینکه بشورای دولتی ارجاع شود مستقیماً از طرف وزارت معارف به مجلس آمده و تصویب نشده است منتهی در این لایحه يك فکر عالی تری و يك دقت کامل تری شده است برای آنکه خاطر آقایان را مستحضر کنم حالا ماده دم آن قانون را قرائت کرده و خاطر آقایان را ببارتباطی که نوشته اجنبی می کنم دول حل غوامض امور این عبارت یعنی چه ؟ تشخیص اینکه کدام امر غامض است یا غامض نیست کی باید بدهد و ملاک چیست شخص آن کیست آیا وزیر است یا دیگری است ، خود این تشخیص چندین اشکال دارد خود این ماده يك ماده غامض و مبهمی بوده که شورای عالی معارف وقتی باین ماده تصرف میکرد نمی دانست چه کند باین واسطه بود که در این لایحه جدید حذف شد دوم - تصفیه اختلافات بین مدارس و مکاتب ، مقصود از این اختلاف چیست الان اگر بغواهیام سؤال کنیم آنها می کنند در آن کمیسیون بودند و این مسئله هم از نظر آنها گذشته است خودشان نمی توانند توضیح بدهند که مقصود از این اختلافات چیست بعلاوه نمی شود گفت اشخاصی که مقنن قانون بوده اند خودشان مجری قانون باشند قانون را باید طوری نوشت که هر وقت بدست هر مجری بیفتد دچار اشکال نشود اختلاف بین مدارس و مکاتب چیست ممکن است بنده يك طور تفسیر کنم و دیگری يك طریق دیگر ممکن است آن اختلاف از نقطه نظر مجلس باشد که این مکاتب و مدارس نزدیک بهم باشند یا ممکن است از نقطه نظر شاگرد باشد مثلا شاگرد مکتب بمدرس رفته باشد یا شاگرد مدرسه مکتب و علاوه بر این اگر اختلافی بین مدارس و مکاتب واقع شد الان هم ما مبتلا هستیم آنوقت چه خواهد شد هیچ معلوم نیست ماده دیگر مشورت و تدارک نواقص تعلیمات این عبارت یعنی چه ؟ یعنی نواقص تعلیمات را تهیه کنید بهمین جهت است که در سنه ۱۳۲۸ تا بحال تماماً نواقص تعلیمات تهیه نشده پنجتم تصفیه موقوفات و وجوه فوق العاده که برسم هدیه و امانه می رسد این همان ماده بود که از طرف کمیسیون پیشنهاد شده بود و در نتیجه آقای معالی اصلاحی پیشنهاد کردند و کمیسیون هم پذیرفت از اینها گذشته ایرادی که باسم شورای عالی معارف کردند که در آنجا نوشته است شورای معارف ما در اینجا اسم او را گذاشته ایم شورای عالی معارف آیا این خطائی است و آیا این مطلب موجب نقض قانون میشود خلاصه بعد از اینکه این اتهامات و اشکالات در این مورد مشاهده شد موجب شد که وزیر وقت يك لایحه تقدیم مجلس کند و يك وظایفی برای شورای عالی معارف

در نظر گرفته شود که راضی تر و عملی تر و تا اندازه مناسب با معیاد باشد لایحه که ابتدا از طرف وزیر معارف تقدیم مجلس شده البته بنظر همه آقایان رسیده و آن لایحه رجوع شد بکمیسیون معارف و با نظر اعضاء کمیسیون که مطلع ترین اشخاص با مورد معارفی میباشد و کاملاً مطلع از جریان آن هستند و با تجربه و آزمایشی که یک عمر در معارف گذرانده اند این مواد درست شده است و یکی از آن اشخاص بنده هستم و حاضر هستم بهزار بیک دلیل علمی بودن این قانون را ثابت کنم اینکه فرمودند بوجه از وظایف مدیر کل است و در آنجا مایشورای عالی معارف و گذار نموده ایم همه چیز بنده نمی بینم آنجا نوشته است (مشارکت در تهیه بودجه و مراقبت در مصارف کلبه و جوه موصوبه) اولاً بنده وقتی که میخواستم این ماده را رد کنم چندین قانون شوراهای معارف ممالک بزرگ دنیا را در نظر گرفتم و همه را در ترجمه کردند و حاضر دارم و میتوانم خدمت آقایان ارائه بدهم یکی قانون شورای معارف فرانسه و دیگری شورای معارف انگلیس و دیگری قانون شورای معارف اتاژنی و دیگری شورای معارف عثمانی است تمام اینها را من در نظر گرفته ام و با معیاد امروزه مملکت تطبیق کرده ام در تمام آنها میگوید مشارکت با وزیر وقت در تهیه بودجه حتی بعضی جاها میگوید تهیه بودجه مدارس از وظایف مستغنه شوری معارف است و مادر اینجا این کار را نکرده ایم و گفتیم یک کمکی با وزیر وقت کند و در ماده بدهم کنیم برای اوستی الاجرا نیست اینک نوشته شده است مراقبت در مصارف بکنند برای این است که قضیه فوس سال گذشته که حقوق یکمشت از معلمین و مدیران بدبخت از بین رفت و هنوز هم معلوم نیست کجا رفته است پیدا نشود ما میخواهیم شورای عالی معارف را که رئیسش وزیر است در مصارف شرکت بدهیم که بعد از این بودجه مصارف مصون از هرگز بندت فریب باشد بنده نمیدانم که بودجه وزارت معارف امروزه با مصطلح امروزه برای اصل کلاه کلاه است یک پولی که برای معارف میرسد خرج در مضاعف میشود پولی که برای مدارس میرسد خرج معارف میشود برای مریضخانه میرسد خرج مدارس می کنند آنوقت داستان یوج فوس و امثال آن واقع میشود و معلومی که خدمت میکشد حقوق یک برجش از بین میرود این برای چه بوده است؟ برای اینست که در تحت مراقبت نبوده است این است که بعد از این شورای عالی معارف را دخالت در این کار داده نانیاً میفرمایند کار قوه اجرائیه بشورای عالی معارف و گذار شده بنده هیچ جای این قانون لفظ اجرا نمی بینم در کجا

لفظ اجرا دارد آیا س می در ترویج زبان و ادبیات فارسی اجرا است یا س می در تهیه موجبات تحصیل اجراء است و با س می در تهیه وسایل ایجاد مدارس سنتی و دستور دارالمعلمین یا چه چه اجراء است کدام یک از اینها اجراء است از آنها صرف نظر میکنم و میروم سر مقصود وحید الملک تا آخر بفرمایند مخیر - تا آخر شرامی خوانم تمام را حفظ هستیم یکی دیگر تصویب اعلای نشان علمی مگر کمیسیون خودش میاید آدم پیدا میکند و نشان باو میدهد مخیر تمام مطابق نظامنامه های مخصوصی است چون بیشتر از این نمی توانم وقت آقایان را مزاحم بشوم عرض میکنم چون آن قانون قانون هادی است و قانون هادی راهمه وقت می شود نفو کرد بملاره چون ناقص و مهم بود و هزار عیب شرعی داشت این لایحه را تقدیم مجلس نمودند بنا بر این هیچ مانعی نخواستند بود هیچ دلیلی هم ندارد که این ماده تصویب نشود و پاسخ ضدیتی هم با قانون شوراهای معارف نخواستند داشت برای اینکه ماده هم قانون تشکیلات راجع بشورای عالی معارف بوده است عوض ماده دم این لایحه که دارای چهار ماده است قائم مقام او میشود و اینکه می فرمایند این از تشکیلات وزارت معارف خارج است هیچ نمی فهمیم بچه نخواستند تشکیلات وزارت معارف خارج است برای اینکه شورای عالی معارف در مرکز در وزارت معارف تشکیل میشود وزیر هم رئیس رسمی این شورا است بنا بر این یکی از شعب وزارت معارف خواهد بود آنچه بنده فهمیده ام اما میخواستند در ضمن مخالفت با این ماده داخل در کلیات بشوند و بمقیده بنده این ماده را که پیشنهاد کرده ام یکی از مواد اساسی است و حتماً باید اعلان شود باینکه آن مواد سابق که راجع بوظایف شورای معارف است نسخ شده است باینجهت هیچ اشکالی برای تصویب این ماده نمی بینم وحید الملک بنده توضیحاتی دارم از هرگز بندت فریب باشد بنده نمیدانم که بودجه وزارت معارف امروزه با مصطلح امروزه معارف میرسد خرج در مضاعف میشود پولی که برای معارف میرسد خرج معارف میشود پولی که برای مدارس میرسد خرج معارف میشود برای مریضخانه میرسد خرج مدارس می کنند آنوقت داستان یوج فوس و امثال آن واقع میشود و معلومی که خدمت میکشد حقوق یک برجش از بین میرود این برای چه بوده است؟ برای اینست که در تحت مراقبت نبوده است این است که بعد از این شورای عالی معارف را دخالت در این کار داده نانیاً میفرمایند کار قوه اجرائیه بشورای عالی معارف و گذار شده بنده هیچ جای این قانون لفظ اجرا نمی بینم در کجا

رئیس - پیشنهاد آقای سلیمان میرزا قرائت می شود در صورتی که تصویب شود ماده یازدهم می شود ماده که حالا رأی دادند ماده شانزدهم خواهد بود پیشنهاد آقای سلیمان میرزا بضمون ذیل قرائت شد بنده ماده ذیل را پیشنهاد می نمایم که ضمیمه ماده العاقبه گردد عضویت شورای فوق الذکر بدون حقوق خواهد بود رئیس آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - بنده با ذکر این مسئله مخالفم و دلیلش هم این است که چون این مطلب راجع بمعارف و برای ترقی دادن مدارس قدیمه است در سابق هم یک شب بنده عرض کردم که علماء اینطور کارها را برای خدا می کنند و ذکر این لفظ فائده ندارد تکلیف شرعی آنها این است که بنشینند در شورای عالی معارف و اصلاح امور معارف را نموده مدارس را ترقی بدهند و تکلیف شرعی آنها حقوق ندارد چه طور ما می توانیم بگوئیم تکلیف شرعی تو باید معانی باشد در واقع اگر بخواهیم در این موضوع قدمی برای تشویق آنها برداریم این عبارت هیچ مناسبت با عضویت آنها در شورای عالی معارف ندارد

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - البته همانطور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند در اغلب چیزها بنده با ایشان مخالفم و ایشان هم در اغلب چیزها با بنده مخالف و ایشان با دعای خودشان عملی هستند و بنده نظری ولی شاید مسئله غیر از این باشد در حال این ماده که بنده پیشنهاد کردم هیچ مرام و آرزو نیست چنانکه اعضاء شورای عالی معارف مستقل هستند

و جداً از راه وطن پرستی و ایران خواهی برای مصارف مملکت خودشان کار بکنند این خودش بزرگترین مقام عالی است در این صورت هر کس که حاضر می شود این مقام را دارا شود اگر ما رای بدهیم که این هفتل معانی است به آنها بر نمی خورد البته از برای وطن خودشان کاری کنند و اگر هم لازم باشد هر چه در اندرونی آن میکنند

در صورتیکه خود شما هم می فرمایید وظیفه مذهبی ایشان هم این است در این صورت چرا نباید قید شود بنده تصور می کنم اگر این ماده بگذرد و این پیشنهاد بنده قبول بشود مفهوم مخالفت این است که معانی نیست و فردا یک بودجه هم برای این مسئله بمجلس خواهد آمد که ما را بدهیم آنروز عرض کردم مقام علم بالا تر از این ها است که در تحت قیادت و نظارت باید

ومی توان در مقابلش یکجوهی داد و همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند محض رضای خدا اینکار را می کند حالا که محض رضای خداست و مقصودی ندارد این لفظ معانی را هم محض رضای خدا قبول کنند نوشته شود چون مقصودی ندارند البته به آنها بر نمی خورد مذهب اسلام برای اشخاصی که تعلیم مطالب فقهی را می نمایند اجرتی معین نکرده و معانی است چرا از آنها به آنها بر نمی خورد چون باید قانون واضح باشد و این تریبی که نوشته شده است مبهم است علی الخصوص وقتی که این پیشنهاد بنده قابل توجه نشود و در تفسیر دوچار اشکال خواهد شد بنا بر این بنده با این فقره حالی که داریم بهتر میدانم این مطلب قید شود

مخیر - بنده برای حفظ مقام روحانین و عالم علم این پیشنهاد را قبول می کنم که بیس از این در این زمینه مذاکره نشود

رئیس - آقای سیدید الملک (اجازه)

سیدید الملک - عرضی ندارم رئیس - رأی می گیریم باین پیشنهاد که ماده یازدهم می شود آقایان باینکه تصویب میکنند قیام فرمایند غالباً قیام نمودند

رئیس - تصویب شد - مجلس موافق است چند دقیقه تنفس داده شود در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس خارج و بعد از نیم ساعت مجدداً مجلس تشکیل گردید

رئیس - بعضی از آقایان تظا کردند شور در لایحه العاق آقا سید یعقوب بزیانده رود مقدم بر لایحه شورای عالی معارف باشد در این باب آقایان چه می فرمایند

(اظهار مخالفتی نشد)

رئیس - آقای عساده السلطنه موافقت؟

عساده السلطنه - طباطبائی بلی

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - متأسفانه بنده در این موضوع که مسئله العاق آقا سید یعقوب بزیانده رود باشد نمی توانم اظهار عینه کنم برای اینکه راپورتی از کمیسیون بمجلس تقدیم شده بنظر قدری گنگ می آید و معلوم نیست از طرف وزیر فرمودند که مهندسینی بمجلس فرستاده شده بر آورد کرد اطمینان حاصل کرده اند که ممکن است این دو رود بیکدیگر ملحق گردد یا خیر و علاوه بر آورد معارج العاق این رودخانه بطور تحقیق معلوم نیست از طرف آقایان اصفهانی اظهار شده که

العاق این دو رودخانه سیصد هزار تومان مخارج لازم است و معلوم نیست بهمین خرج ممکن است از عهده برآیند یا خیر؟ و اگر محتاج بخرج دیگری باشد آن زیادی خرج بمهده کی خواهد بود و از طرف دیگر معلوم نیست اگر اقدام کردند و باز هم مثل سابق نتوانستند آب را ملحق کنند این خسارت بکی متوجه میشود آیا دولت باید از عهده برآید یا اهالی اصفهان و دیگر آنکه آقای مخیر در جلسه قبل در ضمن بیانات خودشان فرمودند این آب مال دولت خواهد بود اگر اینطور است چرا نباید در لایحه ذکر شود

بنابر این عقیده بنده این بود که آقای وزیر فوائده عامه اقدامات اولیه را بعمل بیاورند وقتی نتیجه حاصل میشود و کاملاً مخارج را بر آورد مینمودند قرارداد با ملاکین می بستند و بمجلس پیشنهاد میکردند آنوقت ما از روی بصیرت می توانستیم اظهار عقیده کنیم ولی حالا نمی دانم اولاً ممکن است این رودخانه با آن رودخانه ملحق گردد یا خیر؟ و ثانیاً اگر خرجش از این سیصد هزار تومان بیشتر باشد بمهده کی است؟

دیگر آنکه آقای رئیس التجار فرمودند اگر خرج شد و آب در نیامد چه میشود و اولاً این فرض معالی است و ثانیاً فرضاً که آب ملحق نشد اگر مراجعه بر اریورت نمایند این مطلب مکشوف میشود

زیرا در اینجا میگوئید پس از آنکه آب جاری شد تا ۱۰ سال از مالیات کسر گذارند مهذا ممکن است این عبارت اضافه شود که اگر خرج شد و آب نیامد بمهده اهالی باشد و اما اینکه فرمودند این رودخانه کارون است یا کارنک است اولاً این مسئله جغرافیائی است و مربوط باین مسئله نیست

رئیس التجار - بنده این طور نگفتم

عساده السلطنه - بنده که اینطور یادداشت کرده ام و اینکه سؤال کردند در چه تاریخی کار کرده از آنچه در تواریخ نوشته شده مثل کتاب مرآت البلدان و تاریخ عالم اراه تألیف کادریس سبحان فرانسوی

اولاً در اینجا شاه طهماسب کار کرده و بعد از آن موقع آنچه در تواریخ نوشته شده مینویسد چونکه از زیر کار می کردند با مصطلح امروز مثل (تونل) می کنند یا آنکه خیلی مواظب بودند بواسطه ابخره گوگرد هملجات می مردند و باین علت نتوانسته اند این کار را با تمام رسانند

بعد شاه عباس بزرگ اقدام کرده و نظر بطلوعتی که داشته است می خواسته است از بالا کرده را سوراخ بکنند اهالی اصفهان هم نمی خواستند بقیه همین سکار شاه عباس مرحوم را انجام بدهند و الا اگر این مقدمات بعمل نیامده بود مخارجش

است ولی در اینجا تخمیناً سیصد هزار تومان خرج دارد و نیز در دو سال قبل هم میرزا حسینخان مهندس که فعلاً هم در وزارت فواید عامه مستخدم و رئیس راه شوسه هراق و قم است بعمل رفته و همان اظهارات مهندسین روسی را تصدیق نموده اند و البته معلوم است بعد از آنکه این پیشنهاد بمجلس گذشت هیچکس اظهار نمیکند بدون اطلاع مهندسین و متخصصین اقدام کنند تمام این مطالب که در دست دولت است اهالی وقت پول میدهند بنمایند دولت میدهند البته تکلیف وزارت فواید عامه این است یک نفر دونفر متخصص بفرستند پس از مطالعات بهر طریق صلاح است اقدام نمایند اما اینکه می فرمایند اگر چیزی علاوه شد چه باید کرد اولاً تصور میکنم همین مبلغی که تعیین شده کافی باشد و فرضاً هم اگر زیادت شد ممکن است از حالا آقایان پیشنهاد کنند که اگر زیادت شد فلانطور رفتار کنند و اما اینکه شاهزاده اقبال السلطان فرمودند اگر کمتر نشود چه میشود این مطلب معلوم است که دو قسمه دولت کمتر میدهد و یک قسمت ملاکین کمتر میدهند

دیگر آنکه آقای رئیس التجار فرمودند اگر خرج شد و آب در نیامد چه میشود و اولاً این فرض معالی است و ثانیاً فرضاً که آب ملحق نشد اگر مراجعه بر اریورت نمایند این مطلب مکشوف میشود

زیرا در اینجا میگوئید پس از آنکه آب جاری شد تا ۱۰ سال از مالیات کسر گذارند مهذا ممکن است این عبارت اضافه شود که اگر خرج شد و آب نیامد بمهده اهالی باشد و اما اینکه فرمودند این رودخانه کارون است یا کارنک است اولاً این مسئله جغرافیائی است و مربوط باین مسئله نیست

رئیس التجار - بنده این طور نگفتم

عساده السلطنه - بنده که اینطور یادداشت کرده ام و اینکه سؤال کردند در چه تاریخی کار کرده از آنچه در تواریخ نوشته شده مثل کتاب مرآت البلدان و تاریخ عالم اراه تألیف کادریس سبحان فرانسوی

اولاً در اینجا شاه طهماسب کار کرده و بعد از آن موقع آنچه در تواریخ نوشته شده مینویسد چونکه از زیر کار می کردند با مصطلح امروز مثل (تونل) می کنند یا آنکه خیلی مواظب بودند بواسطه ابخره گوگرد هملجات می مردند و باین علت نتوانسته اند این کار را با تمام رسانند

بعد شاه عباس بزرگ اقدام کرده و نظر بطلوعتی که داشته است می خواسته است از بالا کرده را سوراخ بکنند اهالی اصفهان هم نمی خواستند بقیه همین سکار شاه عباس مرحوم را انجام بدهند و الا اگر این مقدمات بعمل نیامده بود مخارجش

خیلی بیش از اینها میشد یکی این که فرمودند بین رود کارون و زاینده رود اراضی لم یزرع هست یا خیر؟ جواب عرض می کنم خیر؟ زمین لم یزرعی نیست اما مطلب غریب و عجیبی که همه آقایان می فرمایند این است که پس از آنکه این آب جاری شد چرا دولت دوست هزار تومان آن را پس بدهد و اهالی از مالیات کسر بگذارند این یک اعتراض غریبی است

اولاً وظیفه دولت است که این کار را بکنند اگر دوست هزار تومان برای آسایش اهالی اصفهان بدهد هیچ کاره می نکرده است پس خوب است همه روزه این اعتراض را بکنند برای اینکه الان دولت همه روزه مبالغی خسارت اوزاق تهران را می دهد مگر از تأسیس عدلیه و امنیه و نظمی و غالب وزارتخانه های طویل و هریض علاوه بر آسایش عمومی مقصود دیگری هم هست مگر اصفهانی با تهرانی با هم فرق دارند و آقایان نمایندگان یزد تشریف دارند و می دانند از زاق یزد تماماً از رودشنک که یکی از بلوک اصفهان است می رود و ۳ سال بود که بواسطه کم آبی اصفهان بلوک رودشنک زراعت نشده بود اهالی یزد مجبور شدند از فارس و کرمان و راههای دور دست جنس بیاورند در صورتی که اگر از رودشنک بود کرایه یکمن ۳ قران برای آنها تمام میشد حالا چون از جاهای دور دست می آورند یکمن هشت قران برای آنها تمام می شود و همین آسایش اهالی یزد دوست میلیون قیمت دارد دوست هزار تومان که نفع بملامه مالیاتهایی که در جزو جمع هست با وجود اینکه خود بنده در اصفهان بوده ام و برای وصول هزار قسم اقدام جدیت کرده ام و وصول نشد ولی پس از آمدن این آب وصول می شود یکی دیگر اینکه فرمودند دهات بالای زاینده رود فقط مشروب میشود یا دهات پائین دست مشروب میشود اگر آقایان یک مختصر اطلاعی داشتند این اعتراض را نمی فرمودند زیرا که بلوک بالا دست زاینده رود محتاج آب نیستند و بلوک مرتبه دوم هم محتاج نیست بلوک پائین دست اصفهان هم فقط ۴ ماه این آب را لازم دارد و تمام این زحمات برای این ۴ ماه است و الا بقیه سال تمام آب میرود در گارخونی و هنران تمسکی و اجحاف در مسئله زاینده رود هیچوجه نیست بجهت اینکه سهمی است که مرحوم شیخ بهائی معمول داشته و تا کنون بر قرار بوده و خواهد بود بملاره این چیزی است که مربوط بمولت و مجلس نیست یک قرارداد است اسه ما بین خود ملاکین اصفهان و بعد از اینکه این مسئله گذشت خود آن ها با هم کنار می آیند و بین خودشان قرار دادی

خواهند گذاشت این را هم عرض کنم که بنده و خانواده بنده یک ذرع ملک در بالای اصفهان نداریم و آقای مدرس و سایر آقایان نماینده کان اصفهانی بغوی میدانند و اراضی اطراف رودخانه هم هیچ لم یزرع نیست و همه املاک اربابی است که مالیات دارند اما مطلب دیگری که فرمودند این بود که یک دلسوزی برای رعایا نموندند و فرمودند خوب است شرطی هم برای آنها معین کنند؟ بنده عرض کنم موسس این مسئله چیست؟ فلاحین اصفهانی هستند آنها ارباب هستند رعایای چهار بلوک هستند که بنده اسامی آنها را عرض میکنم مارین جی - یزد - رود - و کان اینها قریب پنجاه هزار نفرند و تمام خودشان مالک ملک اند و مالک شهری در تمام این بلوک شاید چند نفر بیشتر نباشد و همین ها هستند که لا ینقطع بتوسط نمایندگان اصفهان و آقای مدرس و غیر ذلک هر روز تلگراف میکنند و آنها هستند که قریب چهل روز است یک نفر نماینده برای گذراندن این امر ب طهران فرستاده اند و خود آنها تماماً ذی نفع هستند در خانه استند میکنند چون امسال اصفهان خشک سالی است و برخلاف تهران هیچ برف و باران نیامده آقایان موافقت فرمایند هر چه زود ترین مسئله از مجلس بگذرد و با جدیتی که آقای وزیر فوائده عامه دارند مهندسی که باید برای این کار معین کنند زودتر معین شود برود که برای بندکاری آتیه این آب ملحق برود کارون شده باشد بعضی یاد داشت های دیگر هم کرده ام که عرض می کنم ولی گمان میکنم آقایان قانع شده باشند و الا اگر لازم شد باز ممکن است عرض کنم

رئیس - اگر آقایان اجازه می دهند جلسه را ختم کنیم و بقیه مذاکرات بماند بجلسه آتیه سابقاً بنا شد جلسه ۴ ساعت بشروع تشکیل شود و امروز عده این اینطور نظر خواهد بود

جلسه آتیه روز ۴ غنیه ۳ ساعت بشروع و دستور همین دستور امروز خواهد بود

آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - عرض میکنم مدتی است بعضی سئوالات مهم از آقایان وزراء شده است و هیچ برای جواب حاضر نمی شوند من جمله از وزیر مالیه خوب است اگر ایشان معظوری دارند و نمیتوانند حاضر شوند آقای رئیس الوزراء حاضر شوند چون فوت وقت سبب خسارت است استند دارم تا تکید فرمایند که برای جواب حاضر شوند

رئیس - تا تکید بشود وزیر فوائده عامه - بودجه

وزارت فوائد عامه است که بضمیمه يك
لايحه تقديم ميشود
بآقای رئیس تسلیم نمودند
مجلس يك ساعت و نیم از شب گذشته
ختم شد .

جلسه هفتاد و شش

صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم
رج حوت ۱۳۰۰ مطابق هفتم رجب
هزار و سیصد و چهل مجلس دو ساعت بغروب
بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید
(صورت مجلس یوم شنبه ۱۳ رجب
حوت را آقای سهام السلطان قرائت نمودند)
رئیس -- گویا بر صورت مجلس
اعتراضی نبود

(اعتراضی نبود)

رئیس - صورت مجلس تصویب
شد . لایحه امتیاز الحاق رود کارون و
زاینده رود مطرح است آقای شیخ الاسلام
اصفهان

(اجازه)

شیخ الاسلام - اولاً خدمت آقایان
تذکر میدهم که بعضی مقدمات هست که
لازم است برای اینکه بتوانم مطالب
خود را بعرض آقایان برسانم عرض کنم
و تصور نشود این عرایض خارج از موضوع
است اصفهان سه ناحیه و قصبه دارد :
نجف آباد ، قمشه ، اردستان که محل بعثت
ما نیست ، هشت بلوک هم دارد که اراضی
آنها از قنات مشروب میشود آنها هم محل
بعثت ما نیست که : فریدن ، عربستان ،
برخوار ، مهتاب ، قهپایه - جرقویه -
سمیرم - کسرون باشد عرض کردم اینها
از قنات آب مشروب است . حالا بعضی
دهات از این بلوک هست که آنها هم از
رودخانه آب میبرند . مثلاً در فریدن ۴
آبادی هست که از رودخانه مشروب میشود
که : پانچشمه ، ابادچی ، زناخور ، درکان
است . از سمیرم يك ده فقط از آب رود-
خانه مشروب میشود که مبارک است . از
برخوار دو آبادی فقط از رودخانه مشروب
میشود که : ده نو ، و محمود آباد است .
هفت بلوک هم در اصفهان هست که از يك
رشته رودخانه که از شمال غربی اصفهان در
دامنه کوهی که موسوم بکوه رنگ واقع
در خاک بختیاری شروع و به جنوب شرقی
اصفهان منتهی میشود مشروب می شود که
آن هفت بلوک لنجان ، مارپین ، برز رود
چی ، کراوج ، براتان ، رودشت و ده
باشد و يك بلوک مهم از این هفت بلوک که
لنجان است منقسم به پنج بلوک میشود که
به بلوک لنجان معروف است : ایدغمش ،
آشتیان ، کرکن ، دلبران ، لنجان که باین
اعتبار یازده بلوک از بلوکات اصفهان از
این رودخانه مشروب میشود این رودخانه
يك آب دائمی دارد و يك آب موقتی ، آب